

نوع مقاله: ترویجی

## تحلیل و بررسی دیدگاه‌ها و آراء مفسران درباره مراد «نعمت» در آیه اکمال

m.qasempour@atu.ac.ir

f.alaaee@alzahra.ac.ir

fahimeh.gholaminejad@grad.kashanu.ac.ir

محسن قاسم‌پور راوندی / استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران  
فاطمه علایی رحمانی / دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

کجه فهیمه غلامی نژاد / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴

### چکیده

یکی از رویکردهای مفسران عصری، با هدف کاربردی و تطبیق آیات هم‌سبب آیه اکمال در قرآن، رویکرد تفسیر فرهنگی است. برخی از مفسران با اشاره به تحولات گوناگون معنای نعمت ذیل این آیه، در طراحی الگویی ساختاری، برای اثبات معنای نعمت به معنی «ولایت الهی» تلاش کرده‌اند. پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی سیر تطور معنای نعمت را با تأکید بر آراء مفسران، به‌ویژه با نگاه عصری و تفسیر فرهنگی بررسی می‌کند. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاکی است که مفسران در تفاسیر فرهنگی از طریق تأکید بر ضرورت تشریح احکام توسط پیامبر ﷺ برچیده شدن پدیده نسخ بعد از نزول این آیه را نتیجه گرفته‌اند. لذا مانایی آموزه‌های قرآنی، اکمال دین و همچنین واکاوی شبکه ارتباطی آیات مراد از نعمت در آیه مذکور به معنای ولایت و تطبیق آن با ولایت امیرمؤمنان علیؑ را به‌عنوان مصداق برتر تأیید می‌کند. از منظر نگارندگان این پژوهش، مبنای معناشناختی و مصداق‌شناختی نگره مذکور محل بررسی و بازاندیشی است. اختصاص و محدود کردن نعمت به مراسم حج به تزیین محتوا و پیام آیه می‌انجامد و تبعات عدم فهم دقیق تر آیه را به‌دنبال دارد. از جمله راهبردهای مفسران تفسیر فرهنگی، بیان معنای گسترده‌تر نعمت از جمله اسلام و شناخت با توجه به تفسیر روشمند آیات و اصل فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، آراء مفسران، آیه اکمال، نعمت.

## مقدمه

سال به دو سال عوض شود. قرآن کتابی نیست که کسی بگوید من آخرین نکته‌اش را نوشته‌ام» (ایازی، ۱۳۷۶، بخش تقدیم). در واقع باید گفت نیازهای بشر با گنج نهفته در قرآن هماهنگ است؛ یعنی همان طور که تا بشر هست، تحول و تکامل و تغییر در عرصه زندگی بشر متوقف نمی‌شود؛ گنجینه‌های معارف قرآن نیز تمام‌شدنی نیست (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۲۸). لذا در طول زمان، نیازهای علمی و اجتماعی جدیدی برای بشر به وجود می‌آید که پاسخ آنها در قرآن با صراحت بیان نشده و استنباط آنها از اشارات قرآن کریم، توان و تلاش علمی و پژوهشی می‌طلبد و تفسیر آیات، با توجه به نیازهای جدید، ضرورت می‌یابد که این کار بر عهده مفسران فرهنگی است (اسکافی، ۱۹۶۴، ص ۳۰۴). در این بین تفاسیری مانند *المیزان فی تفسیر القرآن* از علامه طباطبائی، و *فی ظلال القرآن* از سید قطب، به روش ساختاری و با نگاه عصری و تفسیر فرهنگی به تفسیر آیه سوم سوره مبارکه «مائده» توجه کرده، و واژه «نعمت» در تفسیر ایشان نقش مهم یا محوری را ایفا می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۶۸-۱۸۲؛ سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۸۴۱-۸۴۶). در سال‌های اخیر، مفسران با رویکرد اجتماعی نگره‌های تقریبی از قرآن را به تفسیر وارد و به تبیین این آیه پرداخته‌اند. از جمله محمد عزت دروزه در تفسیرش در توضیح آیه سوم سوره «مائده» می‌گوید: «این عبارت از زیباترین عبارات قرآنی است؛ به همین دلیل است که مفسران در طول تاریخ به آن توجه خاصی داشته‌اند و بی‌تردید مقام این آیه، باعث آرامش خاطر، فراخی، شادمانی، خرسندی و بزرگی مسلمانان است. جدای از اینکه در چه ظرف زمانی و مکانی نازل شده است، و به طور مستقیم خطاب به اصحاب بوده یا کسانی که بعد از ایشان می‌آیند؛ برای کسانی که خداوند برایشان دینی کامل قرار داد و با آن نعمت را بر ایشان تمام کرد، برای پاسخ به همه نیازها و حل همه مشکلات روحی، مادی، دنیایی و اخروی‌شان می‌باشد. (شیوه آن به گونه‌ای است که) حتی به همه مشکلات بشر پاسخگو است؛ تا برایشان روشی قرار داده باشد. لازمه چنین جایگاهی، پیوند برادری و همبستگی، توانمندی در برابر دشمن و کوتاه نیامدن در برابر آن است»

نعمت‌های خداوند به شمارش در نمی‌آید و نهایی برای آن متصور نیست: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» (نحل: ۱۸). نعمت در تعریفی جامع از *راغب اصفهانی* به معنای حال نیکوست (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۹۹). در آیات مختلفی از قرآن واژه نعمت مطرح شده، از جمله در آیه ۳ سوره مبارکه «مائده» که در حجة‌الوداع در محل غدیر بر پیامبر اسلام ﷺ نازل گردیده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۳۱).

مفسران از گذشته تا به امروز پیرامون معنای واژه «نعمت» ذیل آیه مذکور بحث کرده‌اند. جاودانگی قرآن و لزوم تداوم نقش هدایتگری آن در همه عصرها و نسل‌ها از یک سو و تحولات شگرف در جامعه بشری و پدیدار شدن پرسش‌ها، شبهات و نیازهای جدید از سوی دیگر، نیاز به تفاسیر عصری را امری اجتناب‌ناپذیر ساخته است. آنچه امروزه به عنوان تفسیر عصری نام‌بردار گشته، قبلاً در کلام برخی از محققان به عنوان «تفسیر موضوعی» مطرح شده است. سیدمحمدباقر صدر تعریف خاصی از تفسیر موضوعی ارائه داده که می‌توان گفت تقریباً معادل تفسیر عصری در اصطلاح امروز است. منظور ایشان از موضوع، یک واقعیت خارجی است که مفسر درصدد است جهت‌گیری قرآن را در مورد آن بیابد. ایشان تفسیر موضوعی را ریح جز جمع‌آوری آیات متحدالموضوع نمی‌داند. وی می‌نویسد: «رسالت تفسیر موضوعی در هر عصری آن است که مفسر تمام میراث فرهنگی، اندیشه‌ها و تجربه‌های بشری را به پیشگاه قرآن برد و مجموعه آیات قرآن را درباره هریک از آنها به داوری بگیرد و حکم خدا را از آن استنباط کند. در این صورت است که قرآن به دنیای خارج و واقع پیوند می‌خورد. این شیوه از تفسیر - برخلاف تفسیر ترتیبی که از قرآن آغاز و به قرآن ختم می‌گردد - از مرحله واقعیت خارجی آغاز می‌شود و به قرآن ختم می‌گردد، تا مفسر در پرتو آن، جهت‌گیری‌های الهی و آسمانی را در خصوص آن واقعیت خارجی تعیین کند». به هر حال، هدف در این نوع تفسیر آن است که پدیده‌های جدید پس از تحلیل دقیق به قرآن عرضه شود تا زوایای تاریک آن با نور قرآن روشن گردد (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۲۹-۲۱). علامه طباطبائی معتقد است: «تفسیر قرآن باید دو

طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۴۷؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ص ۲۲۷؛ دخیل بن علی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۴۰).

مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و ارزیابی نظریه علامه طباطبائی درباره پیوند نعمت با ولایت در قرآن» (نजारادگان و جزینی، ۱۳۹۹)، رهیافت‌هایی را در ارتباط با پیوند معنای نعمت با ولایت در آیات قرآن کریم با تأکید بر نظریه علامه طباطبائی بیان کرده‌اند.

مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی در زمینه نزول آیه اکمال» (فقیهی، ۱۳۷۷)، به نحو اعم توضیحی از معنای نعمت داشته است. همچنین فتح‌الله نजारادگان در مقالات دیگر با عناوین «بررسی تطبیقی تفسیر آیه اکمال با تأکید بر نقد مناقشه‌ها درباره دیدگاه شیعه» (۱۳۸۷)؛ «پژوهشی درباره مفاد آیه اکمال دین از دیدگاه فریقین» (۱۳۸۴)؛ و کتابی با عنوان «بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت» (۱۳۹۱) با رویکرد تطبیقی، به بررسی دیدگاه‌های شیعه و سنی در باب ولایت امام علی و تمایز دیدگاه فریقین در این زمینه پرداخته است. لیکن تاکنون اثری در باب تحلیل و بررسی دیدگاه‌های مفسران درباره مراد «نعمت» در آیه اکمال، نگاشته نشده است؛ به همین دلیل این پژوهش، پژوهشی نو در این زمینه به‌شمار می‌آید.

### ۱. معانی واژه نعمت در آیه اکمال و سیر تطوری آن

برخی معنا را همان مصداق، و برخی آن را رابطه میان لفظ و مصداق می‌دانند. لیکن نظر برگزیده این است که معنا همان صورت ذهنی است، بدون لحاظ ذهنیت. به عبارت دیگر، معنا مساوی محکی یا معلوم بالذات است که در برابر مفهوم (حاکمی) و مصداق (معلوم بالعرض) است (ساجدی، ۱۳۹۰). بررسی‌های تفسیری و تحلیلی درباره معانی واژه نعمت در آیه سوم سوره «مائده»، معانی متعددی را کشف و بیان می‌کند. از جمله در تفاسیر برخی از مفسران معانی مختلفی در این زمینه وارد شده، که عبارت است از: حصول مغفرت جماعت مسلمین (قشیری، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰۱)؛ تمام کردن نعمت‌های ظاهری و باطنی (نخجوانی، ۱۹۹۹، ج ۱، ص ۱۸۴)؛ آل‌سعدی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۳۸)؛ ورود به بهشت (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۳، ص ۱۸۰؛ حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۵۰)؛ وفای به عهد و وعده از طرف خداوند با انتخاب دین اسلام بین ادیان دیگر (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۳۴)؛ بخشش علم و حکمتی از جانب خدا بر مسلمین که سابقه نداشته است (ناصری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص

(دروزه، ۱۳۸۳ق، ج ۹، ص ۳۰). البته اینکه محمد دروزه این آیه را که اثبات‌کننده زعامت و خلافت بلافضل امیرمؤمنان علی است را پاسخگو بودن به مشکلات بشر بداند، کمی دور از دلالت این آیه و جانشینی بر حق حضرت علی است پس از رسول خدا است؛ زیرا در این آیه شریفه سخن از یک روز بسیار بزرگ است که نقطه عطفی برای مسلمانان شمرده شده است. همان طور که مرحوم طبرسی، تفسیر اهل‌البیت را در مورد آیه مذکور نقل می‌کند که این آیه هنگامی نازل گردید که پیامبر در روز غدیر خم، در حین بازگشت از حجة‌الوداع، علی را برای مردم علم و پیشوا ساخت و آخرین امر واجبی که خداوند نازل فرمود، همین است. بعد از آن دیگر فریضه‌ای نازل نشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۲۰۳).

این نوشتار، با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و اسنادی با شیوه توصیفی - تحلیلی در جست‌وجوی پاسخی روشن به پرسش‌های زیر است:

- رویکردهای مفسران خصوصاً مفسران عصری در مورد واژه «نعمت» ذیل آیه سوم سوره «مائده» چیست؟

- این رویکردها چه تطوری در طول زمان داشته است؟

- نتایج شناخت دیدگاه‌های مفسران و تطور معنای نعمت چه

اهمیت و نقشی در فهم و تفسیر صحیح معنای نعمت در آیه اکمال دارد؟ به نظر می‌رسد که شناخت سیر و روند تطوری معنای نعمت و تفسیر صحیح این واژه به‌عنوان یکی از واژگان کلیدی این آیه می‌تواند نقش مؤثری در راستای فهم دقیق‌تر این آیه داشته باشد.

مفسران قرآن کریم در طول تاریخ از همان عصر نزول تا دوران میانی و متأخر نسبت به معنای نعمت در آیه اکمال، دیدگاه‌های متعددی ارائه کرده‌اند. در آثار تفسیری اکثر صحابه و متقدمان معنای نعمت در آیه اکمال به معنای پاک‌سازی خانه خدا از شرک مطرح بوده است. با فاصله گرفتن از عصر نزول، در تفاسیر میانی معنای جدیدی نظیر منت بر توسعه تفسیری معنای این واژه افزوده شد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۵۳؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۵۷). معنای غلبه مسلمانان بر مشرکان، دور ساختن آنها از سرزمین خود، ناامیدی مشرکان از بازگشت مسلمانان به کفر، در برخی تفاسیر دوره میانی و متأخر از شیعه و سنی نیز آمده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۵۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۰۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۷؛

۳۷۵). اما معانی مطرح‌شده در این باره در معنای پاک‌سازی خانه خدا از مظاهر شرک، اختصاص مراسم حج برای مسلمانان و امنیت آن؛ هدایت؛ کامل شدن اسلام و احکام آن؛ ولایت و شناخت است که در تفاسیر مفسران کرد و جلوه بارزتری دارد. لذا می‌توان عمده معنای این واژه در این آیه را در محورهای زیر دسته‌بندی کرد:

### ۱-۱. پاک‌سازی خانه خدا از مظاهر شرک، اختصاص مراسم حج برای مسلمانان و امنیت آن

بسیاری از تفاسیر اهل سنت متقدم معنای نعمت ذیل آیه اکمال را به معنای اختصاص مراسم حج برای مسلمانان بیان کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶ ص ۵۳). البته گرایش‌های مذهبی و کلامی مفسران متقدم را نباید در تفسیرشان از معنای «نعمت» بی‌تأثیر انگاشت، لیکن آنها معنای مربوط به افق فراتاریخی قرآن را در نظر نداشتند و چنانچه قرآن تنها به این معنا محدود گردد، نمی‌تواند وحی جهان‌شمولی تلقی شود و تمام بشریت را مخاطب قرار دهد. لذا انحصار این معنا از «نعمت» به الهی بودن و جاودانگی متن قرآن خدشه وارد می‌کند.

### ۱-۲. هدایت

نخستین کسی که معنای «هدایت» را برای تفسیر واژه «نعمت» بیان می‌کند، ابن‌عربی در قرن هفتم هجری است (ابن‌عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۶۸). پس از او مفسران قرن هشتم از جمله، *ابو حیان اندلسی* به نقل از *ابن‌زید*، «هدایت به اسلام» را برای آن برگزیده‌اند (اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۷۵). لیکن توسل به شریعت برای اثبات نظرگاه‌های شخصی نتیجه‌ای جز سوء تأویل از معنای آیات و جامع‌نگر نبودن ندارد.

### ۱-۳. کامل شدن اسلام و احکام آن

نخستین تفسیری که «نعمت» را به «اسلام» معنی می‌کند، تفسیر *مقاتل بن سلیمان* است؛ گرچه وی دلیل تفسیرش همان سخن صحابه است. در تفسیر وی آمده است: «اتممت علیکم نعمتی یعنی الإسلام إذ حججتم و لیس معکم مشرک» (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۵۳). زمخشری نیز به‌عنوان احتمال معنایی دوم خود به این تفسیر اشاره می‌کند. از دیدگاه زمخشری نعمت به معنای اسلام است؛ زیرا به کسی که نعمت اسلام داده شده، هیچ نعمتی نیست که به او

نرسد و شامل حالش نشود (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۰۵). *فخر رازی* در قرن شش پس از این نقل مشهور که اتمام نعمت به معنای اکمال شریعت است، با این استدلال که اسلام نعمت اتم است، آن را معنایی برای اکمال دین برمی‌گزیند. سپس توضیح می‌دهد که آیه دلالت بر تفویض ایمان از جانب خداوند نیز دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۹). تفسیر به اسلام و ایمان و مقررات آن در میان مفسران معاصر شیعی نیز آمده است (کریمی حویزی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۸). مفسرانی دیگر نیز به معنای کامل شدن شریعت و ظهور اسلام اشاره کرده‌اند؛ از جمله قرطبی که این معنا را دلیلی برای ورود دین حنیف مسلمانان به بهشت می‌داند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶ ص ۶۲؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۰). لیکن این تعمیم‌بخشی مفسران در انطباق معنای اسلام که از نعمت کرده‌اند، با توجه به عدم ارتباط آیه اکمال با رخداد غدیر و در نظر نداشتن شأن نزول خاص ظهور و اشاره دارد.

### ۱-۴. ولایت

معنای «نعمت» در آیه سوم سوره «مائده»، به «ولایت» را در تعدادی از تفاسیر روایی متقدم شیعی مانند تفسیر *فرات کوفی* شاهد هستیم (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۱۷). پس از آن در قرون میانی تفاسیری روایی با رویکردهای مختلف اجتهادی، مانند *صافی فیض کاشانی*، ادبی مانند *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین ملافتح‌الله کاشانی* و با استناد به روایتی از صادقین — که در ادامه می‌آید — به تبیین این معنا پرداخته‌اند (کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۶۰). بیشتر مفسران امامیه به فراخور بحث تفسیری خود، به ذکر روایات اهل بیت (و تطبیق و انطباق معنایی نعمت بر ولایت اشاره کرده‌اند). در عصر حاضر نیز تفسیر *المیزان علامه طباطبائی* نیز با روش قرآن به قرآن به اثبات معنای «ولایت الهی» برای «نعمت» در آیه مورد بحث می‌پردازد. درحقیقت بیان این روایات در تفاسیر از باب تطبیق کلی بر مصداق است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۶۶). ایشان با نگاهی تحلیلی و عمیق معتقد است: هر جا در قرآن کریم نعمت به صورت مطلق آمده باشد، منظور از آن ولایت الهی است (همان، ج ۵، ص ۲۹۱). ولایت در دیدگاه علامه، منحصر در معنای ولایت ائمه نیست (ولایت حضرت علی) هم یکی از نعمت‌های خداست که بعد از شناختن انکار کردند (طباطبائی،

۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۲۶؛ بلکه به معنای دین از حیث تسلیم شدن در برابر خدا در همه شئون است و این همان ولایت خدا و حکمرانی‌اش بر بندگان است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۳۱).

## ۱-۵. شناخت

سید قطب از مفسران معاصر که در کتاب تفسیری خود *فی ظلال القرآن* به روش ساختاری به تفسیر آیه سوم سوره مبارکه «مائده» توجه کرده و واژه «نعمت» در تفسیر ایشان بر معنای «شناخت» حمل شده است، که انسان فطرتاً آن را داراست. این نکته که سید قطب از روش تقریبی برای تبیین مراد نعمت ذیل آیه اکمال استفاده کرده، از اهمیت بالایی برخوردار است (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۸۴۱-۸۴۶).

## ۲. دیدگاه مفسران در ارتباط با معانی واژه نعمت در آیه اکمال

گام اول در ارزیابی و بیان سیر تطوری مشهورترین معانی مطرح‌شده از نعمت ذیل آیه اکمال برداشته شد؛ و به نادرستی هر کدام اشاره شد. گام دوم این است که صحیح‌ترین معنای مقصود از نعمت در این آیه با توجه به دیدگاه‌های مفسران شیعه و سنی در نظر گرفته شود؛ به گونه‌ای که این دیدگاه با معنای حقیقی لفظ نعمت تطبیق داده شود و به صورت استدلال تمام و تام این برداشت اثبات شود. در زیر ابتدا تقریر دیدگاه‌های مفسران خصوصاً مفسران فرهنگی از معنا و مراد «نعمت» در آیه اکمال بررسی می‌شود.

### ۲-۱. تقریر معنای پاک‌سازی خانه خدا از مظاهر شرک، اختصاص مراسم حج برای مسلمانان و امنیت آن از دیدگاه مفسران

طبری در *جامع البیان* ذیل آیه اکمال نظرات صحابه در مورد واژه «نعمت» را بیان می‌کند از ابن عباس نقل شده که گفته است: «مشرکین به همراه مسلمانان مراسم حج را به جای می‌آوردند تا اینکه سوره برائت نازل شد و به مسلمانان دستور داده شد از این پس بدون مشرکین فریضه حج را انجام دهند و مشرکین نباید وارد خانه کعبه شوند؛ پس این (دستور یا تخصیص کعبه برای مسلمین) تمام نعمت بود» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۵۳). در همین رابطه گفته شده که رسول خدا ﷺ با نازل شدن سوره «برائت»، حضرت علی را برای ابطال آثار و رسوم جاهلی به مکه روانه داشت (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵

ص ۱۶۹). لذا با وجود این، یکی از نقل‌ها در مورد تاریخ نزول آیه موردنظر، زمان بعد از نزول سوره «برائت» است. این نظریه نمی‌تواند صحیح باشد که «نعمت» در آیه اکمال ناظر به پاک شدن آثار شرک از خانه خدا یا خالص شدن آن برای مسلمین است. همچنین طبری از قتل‌آوردن آن زمان نزول آیه روز عرفه در جمعه بود که مشرکان از مسجدالحرام نفی شده و آن تنها برای مسلمین اختصاص یافت. نقل دیگری از شعبی آمده که نزول آیه مورد بحث را روز عرفای می‌داند که در حج آن سال مشرکان حضور نداشتند. از وی چنین نقل شده است: «نزلت هذه الآية بعرفات، حيث هدم منار الجاهلية و اضمحل الشرك و لم يحج معهم في ذلك العام مشرك» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۵۳) طبق گفته‌هایی که از قتل‌آوردن و مخصوصاً شعبی آورده شد می‌بایست سالی که مراسم حج از مظاهر شرک و حضور مشرکان پاک شد همزمان با فرضیه حج مسلمانان و در همان سال باشد؛ درحالی که عادتاً نیاز به گذر زمان بیش از چند روز، برای چنین پاک‌سازی‌ای است. اگر آن سال را آخرین حج پیامبر ﷺ بدانیم؛ یعنی ملتزم شده‌ایم که تا آخرین روزهای زندگی پیامبر ﷺ مشرکان به همراه مسلمانان مراسم حج انجام می‌دادند. *مقاتل بن سلیمان* در تفسیرش ذیل عبارت «و اتتمت علیکم نعمتی» آورده است: «یعنی اسلام؛ زمانی که حج می‌گذرید و مشرکین همراه شما نیستند» (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۵۳). لیکن مشکل این نقل در تعیین تاریخ نزول آیه مانند موارد بیان شده در بالاست. شیخ طوسی نیز در این باره اضافاتی از جمله «قطع طمع کافران از بازگشت مسلمین (از اسلام) و بازگرداندن آنها به ملت کفر» را آورده است (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۳۶). «منت» خدا بر مسلمین تا مشرکی همراه ایشان در حج شریک نباشد نیز معنای دیگری است که به اختصاص حج برای مسلمانان اشاره دارد (سمرقندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۵۷). شوکانی مفسر قرن سیزدهم هجری در تفسیر اجتهادی - روایی‌اش به نام *فتح‌القدیر* توضیح «تمام نعمت» را به ما قبلش در آیه ارجاع داده و معنای آن را «اکمال دین» به وسیله احکام، فتح مکه، رام شدن کفار و ناامیدی‌شان از غلبه بر مسلمانان طبق وعده الهی «و لآتیم نعمتی علیکم» (بقره: ۱۵۰) دانسته است (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۴). جدای اینکه تفسیر «تمام نعمت» به کامل شدن احکام در دوران معاصر در تفاسیر اهل سنت نیز طرفدار پیدا کرده است این بیان شوکانی از معنای «نعمت» با ارجاعی که می‌دهد سازگاری ندارد. سیاق آیه ۱۵۰ سوره «بقره»، در مورد تغییر قبله مسلمانان از بیت‌المقدس به بیت‌الله الحرام است و «نعمت»ی که آیه به آن اشاره دارد قرار است در آینده محقق شود اما ساختار آیه «لَیَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ بَیِّنَ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ یَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا» (فتح: ۲) که مفسر نام‌برده تحقق وعده

الهی را مربوط به آن می‌داند، شبیه آیه ۱۵۰ سوره «بقره» است؛ با این توضیح که در هر دو آیه لام غایت آمده که از تحقق وعده‌ای در آینده خبر می‌دهد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۳۹). بنابراین فتح مکه نمی‌تواند معنای «نعمت» در آیه سوم «مائده» باشد برخی دیگر مفسران معاصر نیز تفسیر «نعمت» را به‌طور مشخص «امنیت مراسم حج» دانسته‌اند (زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۶ ص ۷۵)؛ گرچه چندان تفاوتی نسبت به معنای پاک‌سازی خانه خدا از مظاهر شرک و اختصاص آن برای مسلمانان به لحاظ رعایت تاریخ و زمان نزول آیه ندارد در این باره از قول یکی از مفسران معاصر گفته شده که «اتمام نعمت در روز نزول آیه صورت گرفته است و به معنی از بین رفتن خوفی است که مشرکین القا می‌کردند و نیز به معنی امنیت حج است. عطف اتمام نعمت بر اکمال دین عطف عام به خاص است. مفاد این دو جمله یکی است و عطف صرفاً به دلیل مغایرت صفات ذات (دین و نعمت) است. یعنی دین نعمت و اکمال آن تمام نعمت است (دروازه، ۱۳۸۳ق، ج ۹، ص ۳۴-۳۵).

## ۲-۲. تقریر معنای هدایت از دیدگاه مفسران

در تفسیر *انوار التنزیل و اسرار التأویل* آمده است: «وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي بِالْهُدَايَةِ وَالتَّوْفِيقِ أَوْ يَأْكُمَالِ الدِّينِ أَوْ يَفْتَحُ مَكَّةَ وَهَدَمَ مَنَارَ الْجَاهِلِيَّةِ» (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۱۵). جدای از معانی دوم و سوم *بیضاوی*، معنای نخست وی شامل مفهومی اضافی بر تفسیر *ابن عربی* است. چنان‌که وی معنای «توفیق» را به معنای «هدایت» *ابن عربی* اضافه می‌کند. گویی نعمت «هدایت»، «توفیق» است که از جانب خداوند باید نصیب فرد مسلمان شود. پس از این دو معنای «هدایت» به تفاسیر شیعه نیز راه پیدا می‌کند. به طوری که *ملافتح الله کاشانی* در قرن دهم هجری، نخستین معنایی که در تفسیر «وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» می‌آورد، همان تفسیر *بیضاوی* است؛ یعنی «بالهدایة و التوفیق» (کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۱۷)؛ همو در *منهج الصادقین فی الزام المخالفین* (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۳، ص ۱۸۰) و *خلاصة المنهج* (کاشانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۶۹) نیز به‌طور اختصار معنای فوق را ذکر کرده است. *حقی بروسوی* در قرن دوازدهم هجری و *ابن عجبیه* در قرن سیزدهم به همان سبک *ابن عربی* و *بیضاوی* آورده‌اند: «بالهدایة و التوفیق». هر دو معنای دیگر نظیر «اکمال دین»، «فتح و تمکین» و دیگر معنای مشهور را نیز ذکر می‌کنند؛ بدون اینکه ترجیحی میان آنها قائل شوند (حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۳؛ *ابن عجبیه*، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۸).

مظهري در همان قرن و به همان سبک معنای «اتمام نعمت» را ذکر کرده است؛ با این تفاوت که در ابتدای تفسیرش بر «وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» می‌گوید: «یعنی وعده به گفته‌ام را محقق کردم و نعمتم را تمام کردم و اتمام نعمت به هدایت و توفیق است» (مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۶). پس از این تفاسیر، بار دیگر شاهد معنای «هدایت» در تفاسیر متأخر شیعی هستیم. تفسیر *اثنی عشری* از حسینی *شاه عبدالعظیمی* در قرن چهاردهم هجری و *نور از قرآنی* در عصر کنونی از این دسته هستند. تفسیر *اثنی عشری* همان سبک بیان تفاسیر سنی فوق را به زبان فارسی بیان کرده است. با این تفاوت که معنای «دخول در بهشت» را که پیش از وی *طبرسی* گفته بود را نیز می‌آورد (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۶). در تفسیر *نور* از این مقطع آیه آورده شده است: «اما اتمام نعمت، به خاطر آن است که قرآن بزرگ‌ترین نعمت را نعمت رهبری و هدایت معرفی کرده است؛ اگر پیامبر اکرم ﷺ از دنیا برود و مردم را بی‌سرپرست بگذارد، کاری کرده که یک چوپان نسبت به گله نمی‌کند. چگونه بدون تعیین رهبری الهی نعمت تمام می‌شود» (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۶). با توجه به آنچه گذشت، متوجه تأثیر گذشت زمان در ارائه مفسران از معنای «نعمت» می‌شویم. به طوری که معنای «هدایت» نخستین بار توسط مفسران قرون میانی مطرح می‌شود. بی‌تردید عقاید مفسرانی نظیر *ابن عربی* در عرضه این معنا برای نخستین بار تأثیرگذار بوده است. برخی دیگر مفسران مانند: *بیضاوی* در *انوار التنزیل و اسرار التأویل* و *حقی بروسوی* در *روح البیان* همچنان که از عناوین تفاسیرشان مشهود است صبغة عرفانی‌شان در معنای «نعمت» تأثیرگذار بوده است. به نظر می‌رسد آنچه سبب پذیرش معنای «هدایت» برای «نعمت» در تفاسیر شیعی چه در قرون میانی و چه معاصر شده است، ویژگی جامعیت قرآن و هادی بودن ائمه اطهار ﷺ است.

## ۲-۳. تقریر معنای کامل شدن اسلام و احکام آن از

### دیدگاه مفسران

این معنا نزد مفسران شیعی جهتی برای اثبات ولایت امیرمؤمنان علی ﷺ است. آنان ضمن بیان ارکان پنج‌گانه اسلام تذکر می‌دهند که اسلام بدون ولایت ناقص است (گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۷۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۶۰۳). برخی دیگر مفسران نیز به معنی

اسلام و شریعت برای «نعمت» بدون استدلال بر وجه ولایی بودن آن اشاره کرده‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۰۷؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۱۲؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۵۱). لیکن بررسی وجاهت معنای «نعمت» به کامل شدن دین و احکام اسلام به لحاظ تاریخی دچار مشکل است. چنانکه از عمر نقل شده است: «آخرین آیه‌ای که بر پیامبر نازل شد، آیهٔ ربا بود. لیکن رسول خدا<sup>ﷺ</sup> از دنیا رفت؛ درحالی که آن را برای ما توضیح نداد. بدین جهت دربارهٔ آنچه در مورد ربا شک می‌کنید، احتیاط کنید» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۷۱). همچنین بخاری در صحیح از ابن عباس روایت آورده است که آخرین آیه‌ای که نازل شد، آیهٔ ربا بود (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۱۴۷). گذشته از این، بسیاری روایات که نشان می‌دهد احکام و واجباتی پس از آیهٔ اکمال نازل شد، را نمی‌توان نادیده گرفت (سبوطی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۵۱). کامل شدن احکام نیز به‌سان معنای نخست، در ارتباط با زمان نزول آیه بوده و استناد مفسران به سخن صحابه می‌باشد. باین حال، این امر باعث انفعال مفسران شیعی در قرون میانی و معاصر نشده است. ایشان با ارائه معانی‌ای نظیر «ایمان» و «ولایت» تفسیر امامیه از آیهٔ اکمال را بروز داده‌اند.

#### ۲-۴. تقریر معنای ولایت از دیدگاه مفسران

در روایتی از امام صادق<sup>ﷺ</sup> آمده است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي قَالَ بَعْلَى بْنُ أَبِي طَالِبٍ<sup>ﷺ</sup>» (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۱۷). البته در روایت دیگری که علی بن ابراهیم از امام صادق<sup>ﷺ</sup> نقل کرده، آمده است: «أَخْرَجَ فَرِيضَةَ أَنْزَلَهَا اللَّهُ الْوَلَايَةَ ثُمَّ لَمْ يَنْزِلْ بَعْدَهَا فَرِيضَةَ ثُمَّ أَنْزَلَ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» بَكَرَاعِ الْغَنَمِ فَأَقَامَهَا رَسُولُ اللَّهِ<sup>ﷺ</sup> بِالْجَحْفَةِ فَلَمْ يَنْزِلْ بَعْدَهَا فَرِيضَةَ» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۶۲)؛ «آخرین فریضه‌ای که خداوند نازل کرد، «ولایت» بود. بعداً آیهٔ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» در کراع الغنم نازل شد، پس رسول خدا<sup>ﷺ</sup> در جحفه ایستاد و بعد از آن دیگر فریضه‌ای نازل نشد». در روایتی مشابه از صادقین<sup>ﷺ</sup> نقل شده است: «أَنَّهُ إِنَّمَا نَزَلَتْ بَعْدَ أَنْ نَصَبَ النَّبِيُّ<sup>ﷺ</sup> عَلِيًّا<sup>ﷺ</sup> عِلْمًا لِلْأَنْبِيَاءِ يَوْمَ غَدِيرِخَمٍّ مَنْصُوفَةً عَنِ حِجَّةِ الْوُدَاعِ وَ هُوَ آخِرُ فَرِيضَةِ أَنْزَلَهَا اللَّهُ - تَعَالَى - ثُمَّ لَمْ يَنْزِلْ بَعْدَهَا فَرِيضَةَ» (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۱۲). باید دقت داشت که منظور از «فریضه» در روایت‌های فوق، آن طور که با سیاق‌شان سازگاری دارد، امر الهی در جهت تکمیل

رسالت نبوی است. فیض کاشانی با استدلال بر اینکه پیامبر<sup>ﷺ</sup> با تفویض علمش بر ائمه<sup>ﷺ</sup> آنها را مرجع مردم قرار داده است، کامل شدن فرائض را به ولایت می‌داند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۶۰-۲۶۱). استدلال فیض کاشانی بر معنای «نعمت» به ولایت ائمه<sup>ﷺ</sup> با این توضیح که علم پیامبر<sup>ﷺ</sup> به ائمه<sup>ﷺ</sup> رسیده است، فلذا ولایت کامل‌کنندهٔ فریضه‌هاست؛ اگر معنایش کامل شدن احکام به‌وسیلهٔ ولایت است، نمی‌تواند قوی باشد؛ زیرا برگشت این معنا به همان کامل شدن احکام است؛ و نقد آن در قسمت قبل، از نظر گذشت. اما تفویض علم نبوی به ائمه<sup>ﷺ</sup> می‌تواند مورد دقت قرار گیرد؛ یعنی تفویض علم پیامبر<sup>ﷺ</sup> بر ائمه<sup>ﷺ</sup> مقدمهٔ ولایت آنهاست. علامه طباطبائی میان جملهٔ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» و جملات قبل و بعد آن در آیه هیچ‌گونه ارتباطی را موجه نمی‌شمارد. تفسیر علامه از این بخش آیه کاملاً ساختاری است؛ به این معنی که فهم و تفسیر هر قسمت از آن به قسمت قبلیش متوقف و موکول است. بدین ترتیب ابتدا به تفسیر «الْيَوْمَ» می‌پردازد و سپس با نتیجهٔ به‌دست‌آمده از معنای «الْيَوْمَ» به تفسیر اکمال دین و بعد از آن اتمام نعمت و معنای رضایت الهی از اسلام اقدام می‌کند. بنابراین «نعمت» در تفسیر علامه کاملاً معنا و مفهومی مستقل داشته و تفسیر «نعمت» در فهم علامه طباطبائی از کل آیه بسیار تأثیرگذار است. ایشان طی چند مرحله به اثبات معنای «ولایت الهی» برای «نعمت» روی می‌آورد، و با استناد به آیهٔ «وَلَوْلَى الْأَمْرِ» آن را بر حضرت علی<sup>ﷺ</sup> تطبیق می‌دهد؛ که به نظر نگارندگان مقاله بهترین وجه و بیان منظور نعمت در این آیه کریمه، با در نظر گرفتن تمامی شواهد و قراین و سیر تطوری واژهٔ نعمت، همین معنا و مفهوم است. ۱. «نعمت» عبارت از چیزی است که با نوع آن چیز بسازد، از این حیث همه موجودات عالم نعمت‌اند. «فان تعدوا نعمة الله لا تحصوها». ۲. برخی نعمات را خداوند با صفت شر بیان کرده: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ لِيَزِدُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (آل عمران: ۱۷۸). ۳. بنابراین چیزهایی که ما نعمت می‌شماریم وقتی نعمت واقعی‌اند که با غرض الهی سازگار باشند. ۴. هر موجودی که انسان در آن تصرف می‌کند برای این است که به قرب الهی برسد و اگر تصرف موجب فراموشی شود، آن نعمت است. بنابراین هیچ چیزی به خودی خود نه نعمت است نه نعمت و از این رو، نعمت در

لیکن هریک از این طریقت‌ها مناسب زمان و مکان خودشان بود؛ تا اینکه خداوند اراده کرد رسالتش را بر بشر با آوردن دینی جهانی که همه انسان‌ها را مخاطب قرار می‌دهد، ختم کرده و فطرت بشر را مخاطب خود گرداند. فطرتی که تحول و تغییری ندارد و در ظرف زمان و مکانی نمی‌گنجد (فطرت الله الّتی فطر الناس علیها لا تبدل لخلق الله). هدف از این رسالت رسیدن به تمام جوانب زندگی انسان، به وسیله مبادی اولیه و قواعد اساسیه‌ای است، که قرار داده است (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۸۴۲). در درجه بعدی مؤمن در برابر «اتمام نعمت» قرار می‌گیرد. نعمتی که با کامل شدن دین به دست آمده و نعمتی تمام و بزرگ است. نعمتی که در حقیقت نماینده‌ای برای تولید انسان است. همان‌طور که نماینده رشد و کمال اوست. پس «انسان» قبل از شناخت خدا وجودی ندارد؛ کمالینکه قبل از شناخت دین وجود ندارد. همان‌طور که قبل از اینکه «وجودی» که در آن زندگی می‌کند را بشناسد، وجود ندارد؛ و نیز همان‌طور که قبل از اینکه خودش را و نقش خودش را و کرامتی که خدا بر او دارد را بشناسد، وجود ندارد. چنان‌که همه این‌ها را با دینی که خدا از آن راضی است، می‌شناسد. انسان قبل از اینکه از عبادت بندگان رها نشود و خدا را معبود قرار ندهد، وجود ندارد. و قبل از اینکه به برابری حقیقت با آنچه شریعت و حکومت خداست برسد، وجود ندارد. شناخت انسان به این حقائق بزرگ به شکلی که دین اینها را تصویر کرده، باعث تولید انسان می‌شود. بدون این حقایق حیوان یا حیوانی تکامل یافته است. و بدون شناخت این حقایق به کامل‌ترین وجود انسان نمی‌رسد؛ همان‌طور که قرآن آن را تصویر کرده است (همان، ص ۸۴۳). به عبارت دیگر، در اندیشه سید قطب «دین» الگو و برنامه و روش زندگی است که به انسان کمک می‌کند تا زمانه‌اش را بهتر بشناسد و در نتیجه در مسیر رشد و خداپرستی گام بردارد. بنابراین در این مرحله توضیح می‌دهد که درک نعمت خدا و این دین بدون شناخت عصر جاهلیت و پیامدهایی که داشت، ممکن نیست. جاهلیت در هر زمان و مکانی عبارت از راه و روشی است که خداوند آن را تجویز نکرده است. برای این است که باید پیامدهای جاهلیت از جمله پیامدهای اعتقادی، تصویری و واقعیت‌های زندگی را شناخت. کسی که پیامدهای گمراهی و کوری، پیامدهای طغیان و امیال، پیامدهای سردرگمی و اضطراب، پیامدهای زیاده روی و کمروزی در تمام نظام زندگی جاهلیت را می‌شناسد کسی خواهد بود که نعمت زندگی در سایه ایمان به روش اسلام را خواهد چشید. عرب اولین مخاطبان قرآن بودند و این کلمات را می‌شناختند و درک می‌کردند. به

حقیقت همان «ولایت الهی» است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۸۰-۱۸۱). یعنی پذیرش سرپرستی خداوند است که وسایل دنیایی را برای انسان تبدیل به آلتی برای قرب الهی می‌کند. همچنان‌که خدای عزوجل فرموده: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره: ۲۵۷)؛ خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنها را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی به در می‌برد و نیز فرموده: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ» (محمد: ۱۱)؛ زیرا خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، ولی کافران را سرپرست [و یاری] نیست. و نیز درباره رسول گرامی‌اش فرموده: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا بِمَا شَئَرْنَا بَيْنَهُمْ، ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ، وَيَسْأَلُوا تَسْلِيمًا» (نساء: ۶۵)؛ ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند، و کاملاً سر تسلیم فرود آورند. اینها و آیاتی دیگر ولایت الهی و آثار آن را بیان می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۸۱). بنا به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ» (نساء: ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. دین اسلام و نبوت رسول و ولایت امری کسانی که خدا تعیین می‌کند «نعمت» است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۸۱). معنای «ولایت» توسط علامه طباطبائی با معناشناسی «نعمت» در قرآن و سپس تفسیر قرآن به قرآن آیه، شیوه‌ای سنجیده در اثبات مسئله امامت است. ایشان توجه به زمان نزول آیه را به جهت دفع نظرات رقیب به کار برده است؛ لیکن با استفاده از روش جانیشینی و هم‌نشینی معنای «ولایت الهی» را برای «نعمت» اثبات می‌کند.

## ۲-۵. تقریر معنای شناخت از دیدگاه مفسران

سید قطب مفسری است که تفسیر وی از آیه اکمال، با محوریت معنای «نعمت» شکل می‌گیرد. بدین‌روی وی سه مرحله مواجهه شخص مؤمن با آیه را توضیح می‌دهد؛ در مواجهه نخست، شخص مؤمن در برابر «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» قرار می‌گیرد. در این مرحله مؤمن با مقایسه دین پیامبر خاتم ﷺ با پیامبران پیشین، متوجه دعوت همه آنها به توحید (خدای واحد) دین (پرستش خدا) و اطاعت از او (اسلام) می‌شود.



زمان خارج سازد. از منظر مفسران فرهنگی خوانش‌های فرامگانی از قرآن به پیدایش خوانش‌های دقیق‌تر از آیات کمک می‌کند. تلاش این مفسران فرهنگی نظیر آنچه سید قطب بیان کرده است، شناختن هرچه بهتر زوایای تاریخ جاهلیت و از پس آن تاریخ اسلام است، تا بتواند با آیه سوم سوره «مائده»، ارتباط برقرار کند. از این حیث می‌توان معنای علامه از «نعمت» را نیز عصری قلمداد کرد. ضمن اینکه وی در تفسیرش تمامی نظراتی که با توجه به تاریخ نزول آیه خواستند معنایی غیر از ولایت از «نعمت» بفهمند را با تفسیر قرآن به قرآن رد می‌کند. تفاسیر متقدم به دلیل آنکه اکثراً قصد تبیین نظر خویش را با اتکا بر زمان نزول آیه داشته، با مشکل دقیق نبودن تاریخ وقوع حوادث همزمان مواجه‌اند؛ چراکه هرطرف مدعی خویش را هم زمان با نزول آیه می‌داند. رویکرد مفسران معاصر نظیر علامه طباطبائی با استناد به معنانشناسی «نعمت» در قرآن و تفسیر آیه اکمال با کمک سایر آیات هم سیاق، نشان می‌دهد سبک‌های جدید در تفسیر قرآن از اهمیت زیادی برخوردارند. گرایش‌های کلامی و مذهبی مفسران در طی قرون میانی تأثیر مستقیمی بر معنای آنها از «نعمت» داشته است. در عصر کنونی روش برخی مفسران اهل سنت ارائه تفسیری است که موجب بیداری و وحدت امت اسلام در برابر جاهلیت مدرن باشد.

این دلیل که مدلول آن (آیات) در زندگی‌شان بروز داشت. نسلی که مخاطب قرآن بود تصورات و اعتقادات و نظام اجتماعی و فردی جاهلیت را می‌شناختند؛ به همین خاطر توانستند حقیقت نعمت خدا که دین بود و حقیقت فضل و منت خدا بر ایشان که اسلام بود را درک کنند. با این توضیح که اسلام، انسان عصر جاهلیت را از قعر پلیدی به اوج عزت رساند، معنای نعمت را فهم و درک اوضاع زمانه‌اش دانسته و می‌گوید: «وقتی چنین جاهلیتی را انسان شناخت، معنی نعمت و آیه «الیوم اکملت... دینا» را متوجه می‌شود. برای بار سوم انسان در برابر خدایی که برای او دینی قرار داده و به آن رضایت دارد قرار می‌گیرد و این تعبیری است که خدا برای روش زندگی انسان انتخاب کرده است» (همان، ص ۸۴۴-۸۴۵). بدین ترتیب سید قطب «شناخت» را «نعمت» می‌داند که انسان فطرتاً داراست و با ورود عصر آزادگی اسلامی در دوران جاهلیت «تمام» می‌شود. این نکته که سید قطب نیز مانند بسیاری مفسران آیه مورد بحث را آخرین آیه‌ای که نازل شد، می‌داند (همان، ص ۸۴۲)، ما را در فهم کلام وی و کاربست آن در تفسیر قرآن یاری می‌کند. توجه به معنای مفسران معاصر اهل سنت و روش تقریبی آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. چنان که این امر از توجه ایشان به آیه اکمال هویداست.

## نتیجه‌گیری

براساس نوشتار حاضر، برخی از مفسران در تفسیر آیه، سبب نزول را در نظر داشته‌اند؛ البته با توجه به سبب نزول‌های متفاوتی که ذیل آیه رسیده و با توجه به مبانی و باورهای کلامی به سبب نزولی در آیه توجه کرده‌اند که با این باورها هماهنگ باشد، تفسیر نعمت به اکمال احکام براساس این تفسیر است. دیگر معنای این واژه از منظر مفسران عبارتند از: اختصاص حج به مسلمانان، فتح مکه و امنیت مراسم حج. توجه روایات شیعی نیز به نصب ولایت امیرمؤمنان علی<sup>ع</sup> نیز با توجه به تاریخ نزول آیه و ارائه نمونه‌ای از مصداق اتم است، که با بررسی‌های علمی و دقیق این دیدگاه، به نظر نگارندگان مقاله همان معنای صحیح و برتر است. اتخاذ چنین معنایی برای مفهوم نعمت هم برگرفته از مبانی و باورهای شیعی است. این معنا برای نخستین بار از سوی صحابه نیز مطرح شده است. برخی دیگر از مفسران با تفسیری فرهنگی و عصری تلاش دارند تا مخاطبان آیه را همه مسلمانان در همه‌ازمنه دانسته و با توجه به ویژگی فراتاریخی قرآن، آن را از قید

## منابع.....

- ابن عجبیه، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ق، *البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید*، قاهره، دکتر حسن عباس زکی.
- ابن عربی، محیی‌الدین، ۱۴۲۲ق، *تفسیر ابن عربی*، تحقیق سمیر مصطفی رباب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- اسکافی، محمد بن عبدالله، ۱۹۶۴م، *المعیار والموازنه*، تحقیق محمدباقر محمود، بی‌جا، بی‌نا.
- اندلسی، ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، *محرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ایازی، سیدمحمدعلی، ۱۳۷۶، *قرآن و تفسیر عصری*، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.
- آل‌سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، ۱۴۰۸ق، *تیسیر الکریم الرحمن*، چ دوم، بیروت، مکتبه النهضه العربیه.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۱۰ق، *صحیح بخاری*، چ دوم، مصر، وزارت الاوقاف المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیه لجنه احیاء کتب السنه.
- بغدادی، علاءالدین علی بن محمد، ۱۴۱۵ق، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*،

- تحقیق محمدعلی شاهین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت، داراحیاء التراث.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ثعلبی، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ق، *الکشف و البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حائری تهرانی، میرسیدعلی، ۱۳۷۷، *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- حسینی استرآبادی، سیدشرف‌الدین علی، ۱۴۰۹ق، *تأویل الآیات الظاهره*، قم، جامعه مدرسین.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳، *تفسیر اثنتی عشری*، تهران، مپقات.
- حسینی شیرازی، سیدمحمد، ۱۴۲۳ق، *تبیین القرآن*، چ دوم، بیروت، دارالعلوم.
- حقی بروسوی، اسماعیل، بی تا، *روح البیان*، دمشق، دارالفکر.
- دخیل، علی بن محمدعلی، ۱۴۲۲ق، *الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، چ دوم، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- دروزه، محمدعزت، ۱۳۸۳ق، *تفسیر الحدیث*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، *المفردات فی غریب القرآن*، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی حسینی، چ دوم، تهران، مرتضوی.
- رجبی، محمود، ۱۳۸۳، *رؤس تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زحیلی، وهبة بن مصطفی، ۱۴۲۲ق، *التفسیر الوسیط*، دمشق، دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض تنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، چ سوم، بیروت، دارالکتب العربی.
- ساجدی، ابوالفضل، ۱۳۹۰، «هستی شناسی معنا»، *معرفت فلسفی*، سال نهم، ش ۲، ص ۸۵-۱۱۳.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، ۱۴۱۹ق، *ارشاد الأذهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- سمرقندی، محمد بن احمد، بی تا، *بحر العلوم*، چ چهارم، بی تا، بی تا.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ق، *الدرالمشور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال‌الدین و جلال‌الدین محلی، ۱۴۱۸ق، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه نور للمطبوعات.
- سید قطب، ۱۴۱۲ق، *فی ظلال القرآن*، چ هفدهم، بیروت، دارالشروق.
- شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۱۴ق، *فتح‌القدير*، بیروت، دار ابن کثیر.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۱۹ق، *البلاغ فی تفسیر القرآن*، قم، مؤلف.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۰۰ق، *مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن*، بیروت، دار التوجیه الاسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۷، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران و قم، دانشگاه تهران و مرکز
- مدیریت حوزه علمیه.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
- فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فрат کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، *تفسیر فرات الکوفی*، تحقیق محمد کاظم محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ققیبی، سیداحمد، ۱۳۷۷، «پژوهشی در زمینه نزول آیه اكمال»، *معرفت*، ش ۲۴، ص ۶۳-۷۰.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۸ق، *الاصفی فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- قزائنی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیر نور*، چ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، بی تا، *لطائف الإشارات*، مصر، الهيئة المصرية للكتاب.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتب.
- کاشانی، ملافتح‌الله، ۱۳۳۶، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۳، *خلاصة المنهج*، تحقیق ابوالحسن شعرانی، تهران، اسلامیه.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۲۳ق، *زبدة التفاسیر*، قم، بنیاد معارف اسلامی.
- کاشفی سبزواری، حسین بن علی، ۱۳۶۹، *مواهب علیه*، تحقیق سیدمحمدرضا جلالی نائینی، تهران، اقبال.
- کرمی حویزی، محمد، ۱۴۰۲ق، *تفسیر لکتاب الله المنیر*، قم، چاپخانه علمیه.
- گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ق، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، چ دوم، بیروت، الاعلمی للمطبوعات.
- مظهری، محمد ثناءالله، ۱۴۱۲ق، *تفسیر مظهری*، تحقیق غلام نبی تونسلی، پاکستان، مکتبه الرشدیه.
- ناصری، محمدباقر، ۱۴۱۳ق، *مختصر مجمع البیان*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- نجازادگان، فتح‌الله و غلامعلی جزینی، ۱۳۹۹، «تحلیل و ارزیابی نظریه علامه طباطبائی درباره پیوند نعمت با ولایت در قرآن»، *قرآن‌شناخت*، ش ۲۴، ص ۷۷-۹۲.
- نجازادگان، فتح‌الله، ۱۳۸۴، «پژوهشی درباره مفاد آیه اكمال دین از دیدگاه فریقین»، *پژوهش‌های دینی*، ش ۳، ص ۱۰۵-۱۱۶.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷، «بررسی تطبیقی تفسیر آیه اكمال با تاکید بر نقد مناقشه‌ها درباره دیدگاه شیعه»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، سال پنجم، ش ۹، ص ۱۳۱-۱۵۹.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۱، *بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت*، تهران، سمت.
- نخجوانی، نعمت‌الله بن محمود، ۱۹۹۹م، *الفواتح الإلهیه و المفاتیح النبویه*، مصر، دار رکابی للنشر.